

# ضرورت تقدم اصلاح شيوه‌ها

## عباس عبدي

در خبرها آمده است که مقام رهبري در هاشم نامه ارسالي از سوي آقاي دانش‌جعفري درباره حکم سيد احمد عراقچي معاون ارزي بانك مرکزي در دوره آقاي سيف خطاب به رياست قوه قضاييه متذکر شده‌اند که مبادا براي اين افراد حکم جائزانه‌اي صادر شود و دقت کنید که اجرائي جائزانه‌اي هم اتفاق نيافتد. در واقع اين تذکر شامل متهمان پرونده موسوم به ارز فردي مي‌شود که انجام آن جزو وظايف بانك مرکزي بود. ولي بنده مي‌خواهم در اين باره از دو زاويه ديگر به مساله پردازم. اول اينکه دادگري در برابر بيداگري يا جائزانه چيست و چگونه محقق مي‌شود؟ دادگري يعني اجرائي قانون. اگر قانون نقص و ايراد دارد، تغيير آن را بايد در جاي ديگري از جمله مجلس و شوراي نگهبان جست‌وجو کرد و پيگيري نمود. ولي اگر به هر دليلي قانون را عادلانه مي‌دانيم، دادگري يعني صدور حکم براساس قانون. صدور حکم براساس قانون از يك سو مفهومي است، يعني تطبيق اتهام به قانون درست انجام شده است و از سوي ديگر شکلي است يعني رسيدگي منطبق بر قانون انجام شده است.

کدام يك از مراحل فوق در جريان رسيدگي به پرونده مذکور با اختلال مواجه شده است که برخي را به صرافت دادخواهي از طريق مافوق قوه قضاييه انداخته است؟ به نظر ميرسد که اولين مشکل همان رسيدگي در قالب دادگاه‌هاي ويژه مبارزه با مفاسد اقتصادي است که رسيدگي عادلانه را دچار اختلال کرد و حتي مانع از تجديد نظرخواهي شده است. دومين مساله محدوديت انتخاب وکیل براي دفاع از متهمان است. سومين علت، غيرعلني بودن دادگاه‌ها است. در حقيقت آقاي رييس قوه که نمي‌تواند و نمي‌بايد در احکام دخالت کند، يا هر مورد را رسيدگي کند. بنا بر اين بايد تاکيد را بر وجود ويژگي‌ها و فرآيندهاي مذکور گذاشت، اگر حکم پرونده مذکور تا اين حد محل اشکال و ابهام است، چه دليلي دارد که انواع پرونده‌هاي ديگر که تحت شرايط مشابه رسيدگي شده‌اند، واجد اين مشکلات نباشد؟ بنا بر اين بايد از رياست محترم قوه درخواست کرد که مساله محدوديت وکلا، برگزاري غيرعلني و دادرسي‌هاي ويژه و تک‌مرحله‌اي را به کلي حذف نمايند. نکته دوم و مهم تر اين است که آقاي عراقچي انواع و اقسام لابي‌ها را براي پيگيري حق خودشان دارند که البته اين پيگيري لازم نيز هست. ولي

تعداد فراوانی از محکومین هستند که واجد چنین امکانی نیستند تا بتوانند توصیه‌هایی به این روشنی را دریافت کنند. کمتر کسی می‌تواند از این ارتباطات بهره‌مند باشد. اگر آقای سیف و عراقچی براساس قانون و منصفانه محکوم شده‌اند که در این صورت بحثی نمی‌ماند ولی اگر اراده‌ای بر محکومیت جائرانه آقای عراقچی تعلق گرفته درحالی‌که با جایگاه و ارتباطات آنان آشنا بوده، احتمالاً این اراده بر محکومیت بسیاری دیگر هم می‌تواند تعلق بگیرد. پس باید بر اصلاح روندها تاکید کرد تا همه متهمان برخوردار از فرآیند عادلانه و منصفانه باشند و دیگر شاهد این مسائل نباشیم، یا حداقل اگر بود، برای اصلاح آن نیازی به طی کردن این فرآیند ویژه نباشد.

شماره: ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ 7 ۰۰۰ 1400 ۰۰۰۰۰۰۰۰